

در مدرسه عاشورا

درس مسین بن علی علیه الصلوة والسلام به ائمت اسلامی این است که برای حق، برای عدل، برای اقامه‌ی عدل، برای مقابله ی با ظلم، باید همیشه آماده بود و باید موهودی خود را به میدان آورد.

گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۰۳/۲۲

شماره ۳

شهریور ۱۳۹۹ - مهر المراه ۱۳۹۲

ویژه نامه برنامه "در مدرسه عاشورا"

ZAER.HAJJ.IR



مجت الاسلام و المسلمین دیرباز:

سبک زندگی حسینی؛ استقامت در راه هدف و صبر و بردباری

مسئولیت های انسان این است که انتخاب آزاد با فکر، اندیشه و مشورت با توجه به معیارهای دینی و عقلی داشته باشد. وقتی امام حسین علیه السلام در مدینه کار خودش می کرد، اما راه خود را به خوبی انتخاب کرد، زیرا وقتی یزید بر سر کار آمد، زندگی با ظلم یزید را انتخاب نکرد و مبارزه با یزید برخاست، باید در برابر ستمگر بایستد، به تمام جهانیان آموخت هر موقعی در برابر ظالم و ستمگر قرار گرفتید نباید بی تفاوت باشید و در برابر ظالم به مبارزه برخیزید.

ایشان در سال چهارم هجری به دنیا آمدند. هفت سال از عمر شریفشان را با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گذراندند، یعنی تا سال ۱۱ هجری. بعد از رحلت نبی مکرم اسلام، سی سال در دوران حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام زندگی کردند، یعنی تا سال ۴۰ هجری و با شهادت آن حضرت ۱۰ سال همراه امام حسن مجتبی علیه السلام بودند، یعنی تا سال ۵۰ هجری. بنابراین امام حسین علیه السلام در سال ۵۰ هجری به امامت رسیدند و تا زمان شهادتشان و واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری، ۱۱ سال امامت کردند.

شروع امامت امام حسین علیه السلام همزمان بود با اوج قدرت گرفتن معاویه؛ اما با وجود تعهد به صلح، معاویه را راحت نمی گذاشت. یک سال کاروانی با بیت المال از مدینه به دمشق می رفت. امام حسین علیه السلام اموال آن را به حکم اسلام ضبط و میان نیازمندان تقسیم فرمود. سپس در نامه ای به معاویه نوشت: «کاروانی از یمن، از اینجا می گذشت که حامل اموال، پارچه ها و عطریاتی برای تو بود تا آن ها را به خزانه دمشق بفرستی و به خویشاوندان که تابه حال شکم ها و جیب های خود را از بیت المال مسلمانان پر کرده اند، ببخشی. من به اموال برای رسیدگی به نیازمندان نیاز داشتم و آن ها را ضبط کردم. والسلام.» معاویه از این کار امام به شدت عصبانی شد و نامه ای تند به امام نوشت. این کار امام حسین علیه السلام مخالف آشکاری با معاویه بود و جز آن حضرت هیچ کس در آن روزها جرئت این کار را نداشت.

یک سال قبل از مرگ معاویه، دستگاه حکومت او شیعیان را تحت فشار شدیدی قرار داده بود. امام حسین علیه السلام همین سال به حج رفتند. عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر هم همراه امام بودند. امام از صحابه و تابعین و بنی هاشم خواست که در چادر ایشان در منی جمع شوند. روایت شده است که هفتصد نفر از تابعین و دویست نفر از صحابه خدمت امام حسین علیه السلام رفتند. آن حضرت شروع به سخنرانی کرده و فرمود: «دیدید که این مرد زورگو و ستمگر با ما و شیعیان ما چه کرد؟ من در اینجا مطالبی را با شما در میان می گذارم. اگر درست بود، تصدیق کرده و از دروغ بود، تکذیب کنید. سخنان مرا بشنوید و گفتار مرا بنویسید؛ وقتی که به شهرها و قبایل خود برگشتید با افراد مورد اعتماد و اطمینان در میان بگذارید و آن ها را به رهبری ما دعوت کنید. زیرا می ترسم این موضوع (رهبری امت توسط اهل بیت علیهم السلام) به دست فراموشی سپرده شود و حق نابود و مغلوب گردد.»

بعد در شرایطی که ذکر فضیلت های حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام ممنوع بود، امام حسین علیه السلام از رشادت ها، تقوا و خداترسی پدر گفت و فرمود: «شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که علی بن ابیطالب برادر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود و در زمانی که نبی مکرم اسلام مسلمانان را با هم برادر کرد، میان خود و پدر پیمان برادری بست و فرمود که در دنیا و آخرت تو برادر منی و من برادر تو هستم.» مردم پاسخ دادند: بار خدایا که چنین است. امام حسین علیه السلام دوباره فرمود: «آیا می دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه خود فرمود که من دو چیز گران بها در میان شما به امانت می گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم. به آن ها متمسک شوید تا گمراه نشوید؟» مردم سخنان امام را تصدیق کردند. سپس امام حسین علیه السلام شروع کرد به شمردن بدعت ها و جنایات های معاویه. هدف آن حضرت این بود که زمینه را برای قیام آماده کند.

حجت الاسلام و المسلمین عسکر دیرباز نماینده مردم استان آذربایجان غربی در مجلس خبرگان رهبری، در چهارمین ویژه برنامه "در مدرسه عاشورا" که روز پنجشنبه ۲۰ شهریور بصورت مجازی از طریق سامانه های بعثه مقام معظم رهبری برگزار شد، به سبک زندگی امام حسین علیه السلام اشاره کرد و گفت: رهبر انقلاب اسلامی به سبک زندگی اسلامی بسیار توجه دارند، بنابراین توجه به این سبک زندگی انسان را می سازد و برای آیندگان نیز بسیار مهم خواهد بود.

در زندگی ائمه اطهار و به خصوص امام حسین علیه السلام این موضوع به عنوان شیوه زندگی و سبک زندگی مطرح شده است که استقامت در راه هدف و صبر و بردباری شکیبایی به وضوح آن را شاهد هستیم. بنابراین سبک زندگی برای ما به عنوان الگو قرار دارد که در زندگی با سختی های فراوانی روبه رو می شویم و باتوجه به الگو گیری از امام حسین علیه السلام می توانیم، در راه رسیدن به هدف استقامت داشته باشیم و از پای نایستیم و راه خودمان را ادامه دهیم و با موانع مبارزه کنیم. امام حسین علیه السلام می فرماید: «صَبْرًا بَيْنِي الْكَرَامَ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَطْرَةٌ يَغِيْرُ بَكْمَ عَنِ الْيُوسُ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَّاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ: صَبْرٌ وَمَقَاوِمٌ كُنِيْدَ اِي بَرْكَتِ زَادِ كَان! چرا که مرگ، تنها پلی است که شما را از رنج و سختی عبور می دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت های همیشگی می رساند.»

صبر بر مصیبت و صبر بر انجام کار خیر، صبر در برابر گناه همه اینها از مصادیق صبر هستند. اگر کسی اهل صبر باشد و استقامت داشته باشد، یقین پیدا کند که به هدف خودش خواهد رسید، اما اگر با اولین مانع کوتاه بیاید و عقب نشینی کند، دائما باید مسیر را عوض کند، مشخص نیست که در زندگی به موفقیتی برسد.

امام حسین علیه السلام برای زندگی و حیات یک معنا ویژه ای را ارائه می کند، اینکه تقصیر کنیم و رشدی داشته باشیم، این یعنی اینکه ما داریم زندگی می کنیم. بنابراین هرکس این ویژگی ها را داشت، حتما دارای حیات و زندگی است. در حالی که از نگاه حضرت سیدالشهدا علیه السلام حیات وقتی است که ما با عزت زندگی کنیم، می فرمایند «الموت اولی من رکوب العار والعار اولی من دخول النار» یعنی مرگ در نزد من سزاوارتر و شایسته تر است از اینکه زیر بار ذلت تسلیم شدن بروم و تحمل ذلت و خواری تسلیم نشدن در مقابل خواسته های دشمن بهتر است از دخول در آتش جهنم و آتش قهر الهی. براساس منابع تاریخی، در واقعه کربلا داریم که عبدالله بن زیاد به سپاهیان دستور داد: امام حسین (ع) یا تسلیم گردد و یا به جنگ تن دهد. امام حسین (ع) روز عاشورا در خطبه ای در مقابل لشکریان عمر سعد چنین گفت: «این خوانده شده (فرزند عبدالله) فرزند خوانده شده (یزید بن ابیه) مرا بین دو امر نگاه داشته شمشیر کشیدن، و یا ذلت و خواری «هیئات منا الذلّة: محال است تن به ذلت دهیم.»

امام حسین (ع) اعلام می کند که چون خدا، پیامبر، مؤمنان و عقل های پاک، تسلیم شدن را از او نمی پذیرند مردن را بر ذلت (فرمان برداری از ظالمان)، مقدم می کند. بنابراین از نگاه سیدالشهدا علیه السلام معنای حیات و زندگی، یعنی با عزت زیستن و سربلند و سرفراز زندگی کردن است. زندگی کردن همراه با ستمکاران هرگز، حیات است و وقتی محقق می شود که ما عزتمندانه زندگی کنیم.

وقتی به امام حسین علیه السلام پیشنهاد می کنند که با نماینده یزید ملاقات کند، می فرمایند: لا والله لا أعطیکم یندی إعطاء الذلیل ولا أفرّ فرار العبید. به خدا سوگند، نه دست ذلت و خواری به شما می دهم و نه چنان بردگان می گیرم. زیرا اگر کسی با ذلت زندگی کند، مردن بهتر از اینگونه زندگی کردن است.

امام حسین علیه السلام در زندگی خود دست به یک انتخاب بزرگی زدند، زیرا یکی از



محبت الاسلام و المسلمین مسینی قمی:
برابر سختی‌ها و نامالایمات زندگی

نگاه حسینی

داشته باشیم



اشرکت کما اشرك أبوک من قبل . تو هم مثل پدرت مشرک هستی. آنگاه امام حسن علیه‌السلام فرمود: س‌اصبر حتی یعلم الصبر اننی صبرت علی شیء امر من الصبر» آنقدر صبر می‌کنم تا صبر بداند که من بر مصائبی تلخ و ناگوار که از (گیاه) صبر هم تلخ تر بود، صبر کردم.

امام حسین علیه‌السلام هم در مقابل آن مصائب جانگاهی که بر ایشان و یاران و خانواده‌اش وارد شد، صبر کرد، و دیگران را هم تشویق به صبر و بردباری می‌فرمود؛ همچنان که در زیارت آن حضرت آمده که فرشتگان آسمان از صبر حضرت تعجب کردند: و قد عجب من صبرک ملائکه السموات. در قرآن مجید نیز آیات متعددی درباره‌ی اهمیت صبر و بردباری و پاداش مؤمنان صابر آمده است،

به زندگی اهل بیت نگاه کنیم، همراه با سختی‌ها، روزهای خوش فراوان داشتند، اما زندگی بدون فراز و نشیب نیست، سختی‌ها را هم باید ببینیم. در حالات رسول خدا است که هر سال سردرد شدیدی پیدا می‌کردند، آیا رسول خدا نمی‌توانستند با یک معجزه الهی درمان شوند، و شفا پیداکنند؟

در حالات امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فراوان شنیده ایم که چشم درد شدید داشتند که رسول خدا به عیادت شان آمدند. در حالات امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام ۱۸ آیه سوره هل اتی برای همین موضوع نازل شده است.

در ۲۵ ذی‌الحجه سوره هل اتی (سوره انسان) در شأن امیرالمؤمنین (ع)، فاطمه زهرا (س)، امام حسن و امام حسین (ع) نازل شد و این مهم بعد از سه روز روز آنان و اعطای افطارشان به مسکین، یتیم و اسیر بود که آن طعام بهشتی نازل گردید.

امام حسن و امام حسین (ع) در کودکی بیمار شدند و رسول خدا (ص) همراه دو نفر از اصحاب از آن‌ها عیادت کرد. یکی از اصحاب به امام علی علیه‌السلام عرض کرد: چه خوب بود برای شفای دو فرزند نذری برای خدا می‌کردی.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: نذر می‌کنم اگر خوب شدند سه روز را روزه بگیرم، فاطمه نیز چنین گفت. حسن و حسین (ع) هم گفتند: ما نیز سه روز روزه می‌گیریم. فضا، کنیز آنان، نیز همین نذر را کرد.

چندی نگذشت که امام حسن و امام حسین (ع) شفا یافتند، همه به نذر خود وفا کردند و روزه گرفتند، اما برای افطار چیزی در خانه نبود.

در حالات سیدالشهدا علیه‌السلام داریم، زمانی که ایشان از مدینه به مکه راهی بودند و محرم شده بودند، در بین راه بیمار شدند و امکان ادامه راه برای ایشان وجود نداشت، در این میان امیرمؤمنان علی علیه‌السلام برای آن حضرت قربانی کردند و ایشان از احرام بیرون آمدند و دوباره به مدینه برگشتند. همه این پیام‌های عاشورا نشان می‌دهد که ما باید در برابر سختی‌ها و نامالایمات صبور باشیم تا به نتیجه برسیم و گرنه بدون صبر و بردباری نتیجه‌ای نخواهیم گرفت.

حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی قمی، در چهارمین برنامه از سلسله برنامه‌های در مدرسه عاشورا که از سوی مدیریت آموزش بعثه مقام معظم رهبری به صورت مجازی برگزار شد، گفت: از پیام‌های زیبایی عاشورا حمد و سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها و صبر و بردباری در برابر مصیبت‌ها است.

وی افزود: اگر واژه صبر را در کلمات سیدالشهدا جستجو کنیم، در سخنرانی و خطبه‌های حضرت این جمله را نسبت به اصحاب‌شان فراوان مشاهده می‌کنیم به خصوص در روز و عصر عاشورا که جمع کمی از یاران حضرت باقی مانده بودند و جمع زیادی به شهادت رسیده بودند، حضرت فرمودند «صَبْرًا بَنِي الْكَرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ يَغْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ: صبر و مقاومت کنید ای بزرگان! چرا که مرگ، تنها پلی است که شما را از رنج و سختی عبور می‌دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت‌های همیشگی می‌رساند.»

عزیزترین انسان‌ها مقابل چشم امام حسین (ع) و خاندانش پرپر شدند. محبوب‌ترین چهره‌ها به شهادت رسیدند و بازماندگان داغ دیدند و صبوری کردند.

وی یادآور شد: امام حسین (ع) پس از شهادت حضرت قاسم (ع)، عموزادگان و اهل‌بیت خود را به صبر دعوت کرد و فرمود: «صَبْرًا يَا بَنِي عُمُوْتِي صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي: ای عموزادگان، صبر کنید. ای خانواده من، صبر کنید.»

در روز عاشورا حضرت علی اکبر (ع) را به صبر بر تشنگی دعوت کرد و به فرزند امام حسن (ع) هم فرمود: «يَا بَنِي إِصْبِرْ قَلِيلًا». به دخترش سکینه سفارش کرد که زبان به شکوه و اعتراض نگشاید و بر تقدیر الهی صبور باشد: «فَاصْبِرِي عَلَى قَضَاءِ اللَّهِ وَلَا تَشْكِي.»

در واپسین لحظات حیات خود نیز هنگامی که بر زمین کربلا افتاده بود، زمزه عرفانی‌اش صبر بر همه این مصیبت‌ها و داغ‌ها بود: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ! لَا إِلَهَ سِوَاكَ... صَبْرًا عَلَى حَكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ: خدایا! بر تقدیر تو صبورم، معبودی جز تو نیست، بر حکم تو صابرم، ای پناه بی‌پناهان!».

ایشان با بیان اینکه اگر انسان در برابر سختی‌ها و نامالایمات زندگی نگاه حسینی داشته باشد، این پیام عاشورایی و کربلایی را دریافت کند و در برابر مصیبت‌ها صبر کند، خداوند اجر و ثواب فراوان به او عطا خواهد کرد، تصریح کرد: افتخار بزرگ صدیقه طاهره، صبر در این آزمون‌ها است. در زیارت نامه حضرت سیدالشهدا می‌خوانیم، «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ»، یعنی خدایا حمد می‌کنم تو را بر مصیبت‌هایی که بر حسین (ع) وارد شد! یعنی خدایا تشکر می‌کنیم از تو که چه مصیبت‌هایی بر سر حسین (ع) وارد کردی! مگر باید بخاطر مصیبت‌های امام حسین (ع) خداوند را حمد کنیم؟!.

وی مهم‌ترین عوامل موفقیت انسان و رمز پیروزی در هدایت بشر را صبر و بردباری دانست و یادآور شد: خداوند صابران را دوست می‌دارد. پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌با تمام مشکلات و مصائبی که داشت، فرمود: ما اودی نبی مثل ما اودیت. هیچ پیغمبری مثل من اذیت و آزار ندید.

آن حضرت باز هم صبر کرد، و با اخلاق نیک و بردباری خود، مردم را به سوی هدایت گرایش داد، و همچنین امامان معصوم جانشینان بر حق خاتم‌انبیاء علیهم‌السلام هم برای اسلام و هدایت مردم بسیار رنج بردند، ولی صبر و شکیبایی می‌کردند تا به هدف مقدس خود نایل شوند.

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در خطبه‌ی سوم نهج‌البلاغه به نام «شش‌شقیه» می‌فرماید: صبر و فی‌العین قذی و فی‌الحلق شحی. صبر نمودم؛ در حالی که در چشمم خار بود و در گلویم استخوان آری؛ زندگی برای ایشان بسیار سخت شده بود، و تنها از جهت این که برای مصلحت اسلام، امر الهی بر این سکوت مقدر بود، و وصیت پیامبر گرامی اسلام هم ایجاب می‌کرد، با صبر و بردباری خود اسلام را حفظ کرد و اجازه نداد زحمت‌های پیامبر و دستاوردهای عظیم حاصل پیروزی و استقرار اسلام از بین برود.

همچنین به فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام هم دستور به صبر و بردباری داد و فرمود: حسن جانم! خودت را عادت بده که همیشه صبر داشته باشی. و آنقدر امام حسن علیه‌السلام بر خفای بنی‌امیه و طرفداران و هوادارانشان صبر کرد، تا آن روزی که عمامه از سر حضرت برداشتند و به وسیله‌ی خنجر به ران حضرت زخمی وارد کردند و به او گفتند:



مجت الاسلام و المسلمین رفیعی:

عزتمندی

یکی از مهم‌ترین پیام‌های عاشورا است



برخی از دعاهای قرآن از زبان پیامبران و برخی از دعاها از زبان اصحاب پیامبران است، یکی از دعاها در قرآن این است که خداوند ما را در قبال سپاه دشمن استواری ببخش.

یکی از انواع شجاعت، شجاعت اخلاقی است که انسان اگر اشتباهی انجام بدهد به اشتباه خودش اذعان کند و از گفتن این مساله ترسی نداشته باشد.

انسان باید خودش را با واقعیت تطبیق بدهد، حتی اگر علیه خودش باشد، بسیاری از طلاق‌ها در سال‌های ابتدایی پس از ازدواج و به دلیل مسائل جزئی است و انسان باید در زندگی مشترک گذشت داشته باشد.

برای حضرت عباس(ع) در واقعه عاشورا امان نامه آوردند، اما او با این وجود به امان نامه دشمن توجه نکرد، پاسخ حضرت عباس(ع) این بود که چگونه به من امان می‌دهید، در حالی که می‌خواهید با فرزند رسول خدا(ص) جنگ کنید.

بر اساس روایات شجاع‌ترین افراد، کسانی هستند که بیشتر از همه تحمل افراد جاهل را در جامعه داشته باشد، امام خمینی(ره) در طول دوران دفاع مقدس همان طوری که بر ادامه جنگ تاکید کردند، در زمان پذیرش قطعنامه مسؤولیت آن را قبول کردند، امام خمینی(ره) چون نیت صحیحی داشتند، اکنون نامشان در مناطق مختلف عراق بر سر زبان‌هاست.

یکی از مهم‌ترین پیام‌های عاشورا عزتمندی است و شخصیت انسان‌های عزیز به گونه‌ای است که به سادگی در مقابل دشمن کرنش نکرده و تسلیم نمی‌شوند.

مرز بین عزت و تکبر بسیار باریک است اما این دو با یکدیگر تفاوت دارد تکبر از خود بزرگ بینی ناشی می‌شود اما عزت تنها از ناحیه خداوند است.

ارتباط با خداوند متعال و بندگی حق یکی از بهترین راه‌های کسب عزت است که بارها در قرآن کریم به آن تاکید شده است. حجت الاسلام والمسلمین رفیعی نتیجه عزتمندی را شجاعت و مناعت طبع دانست و ادامه داد: نفاق، تکبر و خود کم بینی از صفات انسان ذلیل است در حالی که انسان عزتمند همواره مستحکم و استوار خواهد بود.

اگر کسی می‌خواهد عزتمند باشد، باید خود را از ذلت گناه بیرون کشیده و با انسان‌های عزیز در ارتباط باشد.

حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی، سخنران چهارمین برنامه از سلسله برنامه‌های در مدرسه عاشورا که از سوی مدیریت آموزش بعثه مقام معظم رهبری به صورت مجازی برگزار شد، گفت: کربلا، پیام‌ها و درس‌های فراوانی دارد. تبیین این درس‌ها و پیام‌ها برای امروز جامعه کاربردی است و موجب می‌شود، عملاً از امام حسین علیه السلام و یاران و فرزندان‌اش الگو بگیریم.

امام جواد علیه السلام از پدرش امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت گفت: ای بن‌کعب پیش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود که من وارد شدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من گفت: آفرین بر تو یا ابا عبدالله! ای زینت آسمان‌ها و زمین!

ای بن‌کعب به او گفت: یا رسول الله! چگونه جز تو، زینت آسمان‌ها و زمین، تواند بود؟

پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای ای! سوگند به آن که مرا به حق پیامبری برانگیخته، به راستی که حسین بن علی، در آسمان بزرگ‌تر از آن است که در زمین شناخته می‌شود.

هر آینه بر سمت راست عرش خدای عزوجل نوشته شده است: حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات، پیشوای نیکی و برکت و عزت و افتخار، و دریای دانش و گنجی است که برای آینده اندوخته شده است.

چرا چنین نباشد که خدای عزیز و جلیل، در پشت او، نسل پاک و پاکیزه و با برکتی را قرار داده است که پیش از آن که آفریده‌ای در رحم‌های زنان و پشت مردان بوده باشد، یا شب و روزی آفریده شده باشد؛ این نسل آفریده شده بود.

به امام حسین علیه السلام، دعاهایی الهام شده است که هرگز آفریده‌ای، خدا را با آن‌ها نخواند، مگر این که خدای عزوجل وی را با او(حسین علیه السلام) محشور سازد و در سرای دیگر حسین شفیعش باشد. و به واسطه آن دعاها خدا گره از کارش بگشاید و اندوهش برطرف سازد، قرضش را ادا نماید، مشککش را آسان گرداند، راهش را هویدا سازد، او را بر خصمش، نیرو دهد و پرده‌اش را ندرد...

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) که در سمت راست عرش الهی نوشته شده است: ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه؛ به درستی که حسین(علیه السلام) مصباح هدایت و کشتی نجات است»

امام حسین، امام عزت است و کربلا، تجلی گاه عزتمندی یاران خدا است. البته این حدیث به شکلی که در حال حاضر معروف است، در منابع روایی دیده نمی‌شود اما به شکل مشابه آن وجود دارد. مرحوم شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا، این حدیث را نقل می‌کند، مضمون تقریباً همین است اما کاملاً مانند این نیست.

در منابع روایی آمده است: إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَلَى يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مِصْبَاحُ هَادٍ وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ؛ در طرف راست عرش نوشته شده است: حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است. رسول اکرم(ص) در روایتی فرمود امام حسین(ع)، امام شجاعت، دریای علم، ذخیره مسلمانان، مرکز آگاهی و امام عزت است.

یکی از ملاک‌های انتخاب مدیران شجاعت است، امام علی(ع) فرمود افرادی باید به عنوان مدیر انتخاب شوند که دارای گذشته خوب و شجاعت هستند. اصحاب امام حسین(ع) در روز عاشورا از جنگیدن این امام معصوم روحیه می‌گرفتند.

شجاعت صفت درونی و نه صفت جسمانی است، برخی از افراد گرچه که به لحاظ جسمانی تنومند بودند، اما شجاعت نداشتند. حضرت عباس(ع) از انسان‌های شجاع است. زمانی که او برای آوردن آب به سپاه دشمن حمله کرد، چهار هزار نفر از سپاه دشمن از مقابل حضرت عباس(ع) فرار کردند و این نشان از شجاعت او دارد.

بخشی از صفت شجاعت، ذاتی است اما بخشی از این صفت اکتسابی است، یک نوع شجاعت، شجاعت نظامی به معنای استواری در میدان جنگ است که انسان بدون توجه به عظمت سپاه دشمن به وظیفه خودش عمل کند.





ویژه برنامه های

در مدرسه عاشورا

با سخنرانی

حجت الاسلام والمسلمین **رفیعی**

حجت الاسلام والمسلمین **حسینی قمی**

حجت الاسلام والمسلمین **درباز**

با نوای حاج حسن شالبافان

زمان

پنجشنبه ۲۰ شهریور از ساعت ۱۸ الی ۱۹

در فضاک مجازی

LIVE.HAJJ.IR

ZAER.HAJJ.IR

APARAT.COM/ZAERHAJJ

و بحمد الله
عز و جل
عز او یوم
و بحمد
بارین

و بحمد الله
عز و جل
عز او یوم
و بحمد
بارین